بررسی تطبیقی مرور زمان کیفری

در قانون مجازات اسلامی ایران و قانون کیفری فرانسه

ایرج فرشباف *

چکیده

امروزه، وظیفه مجازات مجرم برعهده دولت‌ها گذاشـــته شده است. در این راستا، افراد جامعه و دادســـتان، با مطلع شدن از هرنوع تعرض احتمالی به حقوق و اموال خود و دیگران و جامعه، با فرصت موسعی که قانون برای آنان مقرر کرده است، می توانند به مرجع قضایی صالح مراجعه و حقوق خود را ثابت کنند ومورد مطالبه قرار دهند.

البته، پس از ســـپری شـــدن مهلت مقرر قانونی، نظام قضایی کشور تعهدی برای اســـتماع دعوای آنها ندارد که این رفتار را می‌توان از عادلانه ترین رفتار حاکمیت با شـــهروندان دانست که در فرصتی گســـترده به دعاوی آنها رسیدگی خواهد نمود و پس از انقضای این مهلت چنین فرض می‌شـــود که شخص تمایلی به تعقیب متهم نداردو در واقع، اماره بر انصراف از حق تلقی می‌شود.

لکن این اماره مطلق نبوده، با توجه به این مطلب که آراء و عقاید مختلفی درباره مـــرور زمان کیفری، وجود دارد و یکی از موضوعاتی که امروزه به ندرت مورد بحث محافل حقوقی قرار گرفته است، مبحث مرور زمان در دعاوی حقوقی و اداری است.

نگارنده بر آن اســـت که این مسأله را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بررسی و قوانین مرتبط با آن را در دو کشور ایران و فرانسه مورد مقایسه اجمالی قرار دهد.

واژگان کلیدی: مرور زمان کیفـــری، قانون مجازات اســـلامی ۱۳۹۲، جرایم بازدارنده، تعزیری بزه دیده، بزهکار، استماع دعوی.

* وکیل پایه یک دادگستری

مقدمه

ارتکاب جرم و جنایت از دیرباز در جوامع بشـــری به گســـتردگی وجود داشـــته اســـت. هرچند در دوره‌هایی از زندگی بشر، انســـان‌ها برای مقابله با جرم و مجازات مجرم از اصل انتقام گیری شـــخصی، قومی و قبیله‌ای به جای پی‌گیری‌های قضایی استفاده می‌کردند. امروزه، این وظیفه برعهده دولت‌ها گذاشته شده و در واقع با این اســـتدلال که علاوه بر قربانی مستقیم جرایم، جامعه نیز از ارتکاب آنها مورد تهدید قرارمی‌گیرد، دخالت دولت‌ها در امر اجرای عدالت کیفری، امری ضروری محســـوب شده و بزه کاران در نهادهای قضایی محاکمه و مجازات می‌شوند.[۱]

با استناد به مطالب بیان شده، می‌توان به مبحثی در قانون مجازات اشاره کرد که « قاعده مرور زمان» نامیده شـــده و مربوط است به ترک شروع به تعقیب، رسیدگی و اجـــرای حکم قطعی که طی مدت معینـــی به تعویق افتاده و در اصطلاح حقوقی، جرم و مجازات مشمول مرور زمان شده است[۲]

هرچنـــد که در قانون مجازات اســـلامی، مرور زمان کیفری به طور صریح تعریف نشـــده اســـت، برخی از حقوق‌دانان مرور زمان را صفتی معرفی می‌دانند که عارض بر حق مجازات شـــده و به خاطر گذشـــت زمان قانونی لازم، مانع از ادامه تعقیب یا اجرای مجازات است.[۳]

ســـاده ترین تعریف از قاعده مرور زمان این اســـت که پس از سپری شدن مهلت مقرر قانونی، نظام قضایی کشور تعهدی برای استماع دعوا ندارد.

عـــده‌ای از حقوق‌دانان و صاحب نظران معتقدند که زمان تاســـیس قاعده مزبور مربوط به دوره‌ای بوده که حقوق رومی شـــکل گرفته است. این گروه بیان می‌کنند که این اصل از قوانین ســـولون، مقنن رومی و از قوانین الواح دوازده‌گانه است که به وسیله ده نفر از قضات برجسته آن کشور جمع‌آوری شده بود.[۴]

---

1. What is the international criminal court? 2005, p:1
at:http://www.globalsolutions.org/files/public/ documents/ICC_What-is-it.pdf

۲. آخوندی، محمود(۱۳۷۶)"آیین دادرسی کیفری"، چاپ ۸، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۴۶.

۳.نبراوی،نبیل عبدالصبور(۱۹۹۶)"سقوط الحق فی العقاب بین الفقه الاسلامی و التشریع الوضعی"،بیروت:دارالفکر العربی ص۲۹۵

۴. سرمدی، محمود (۱۳۱۶) «مجموعه حقوقی»، شماره ۳۴، ص۲۴.

در این زمینه، برخی معتقدند اولین قانون رومی که مرور زمان را مورد قبول قرار داده، دربـــاره بزه زنا بوده که مدت مرور زمان را برای آن، پنج ســـال در نظر گرفته است.[۱]

قاعده مرور زمان کیفری که برای اولین بار در قوانین موضوعه روم باســـتان قابل مشاهده می‌باشـــد؛ به مرور زمان، وارد حقوق فرانسه شده، سپس، وارد حقوق اکثر کشورهای جهان گردیده است.[۲]

علاوه بر جای ویژه این قاعده در قوانین موضوعه کشـــورهای غربی که به ســـابقه و پیشـــینه طولانی این امر در این کشورها اشاره دارد، در حقوق اسلامی نیز، درباره وجود یا عدم چنین مبحثی در احکام، نظریاتی وجود دارد که بر اســـاس آن، برخی معتقد بر عدم ســـابقه‌ای از مرور زمان در حقوق اســـلامی هستند[۳] و برخی دیگر با مراجعه به متون اســـلامی‌بر وجود سابقه‌ای طولانی از مرور زمان در حقوق اسلامی تأکید می‌کنند.[۴]

از نظر شیخ مفید: «کسی که خانه یا مال غیر منقول و یا زمینی در تصرف کسی بگذارد و ده سال بگذرد که سخنی از آن نگوید و آن را نخواهد و دعوائی به مناسبت آن نکند حق او از مال خود ساقط می‌شود.»[۵]

در واقع، این قاعده دارای اهمیت خاصی بوده و به عنوان یکی از مسائل مطرح در قوانین جزائی می‌باشـــد که مرتبط با وجودحق و اسقاط آن است. به این صورت که اگر استفاده نکردن از حق مدتی ادامه پیدا کند، مهم ترین امتیاز آن یعنی رجوع به دادگاه و اجبار مدیون به ایفای تعهد را از بین می‌برد.

نکتـــه دیگر این که آیا قاعده مرور زمـــان کیفری در قانون مجازات ایران مصوب

---

۱. واعظی، ابوالفضل(۱۳۵۴)؛ «مرور زمان کیفری از نظر قوانین جزائی سابق و لاحق»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ص۷

۲. گارو(۱۳۴۴)؛ «مطالعات نظری و عملی حقوق جزا»، ترجمه: ضیاءالدین نقابت، جلد ۲۷، تهران: انتشارات ابن سینا، ص۲۷.

۳. شفایی، محسن(۱۳۴۵)؛ «اسلام و قانون مرور زمان»، چاپ ۲، تهران: انتشارات نقش جهان، تهران، ص۲۱۲.

۴. نجفی، شـــیخ محمد حسن (۱۳۶۷)؛ «جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام»، تعلیق محمد قوچانی، جلد ۲۹، تهران: المکتبه الاسلامیه، ص۴۳۸ .

۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۸۷)؛ «ترمینولوژی حقوق»، چاپ ۱۹، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ص ۶۳۸.

۱۳۹۲ بـــا قاعده مرور زمان کیفری در قانون مجازات فرانســـه مطابقت و هم خوانی دارد؟

مبحث نخست: مرور زمان و روایی آن در فقه و حقوق اسلامی

مرور زمان دارای دامنه وسیعی از تعاریف، در حقوق و قضاء می‌باشد که بر مبنای هر یک از زیر مجموعه های آن به صورت خاصی تعریف شـــده است. بر اساس ماده ۷۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی سابق: «مرور زمان گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضاء آن مدت، دعوی شـــنیده نمی‌شـــود». در امور کیفری نیز مرور زمان به عنوان گذشـــتن مدتی اســـت که به موجب قانون پس از انقضای آن، مدت تعقیب جرم یا اجرای حکم قطعی یا صدور حکم قطعی کیفری موقوف می‌شود.[۱]

در متون فقهی شیعه با استناد به قاعده (الحق لا یسقط بالتواتر الزمان) مرور زمان موجب سقوط حق مجازات جز در مجازات های تعزیری مورد قبول واقع نشده است. در کتاب های فقهی شـــیعه، تقادم و مرور زمان فقط در جـــرم زنا مورد توجه قرار گرفته اســـت و به طور اتفاق و اجماع، تقادم و مرور زمان را مضر و قادح در استماع دعوای کیفری حدی نمی‌دانند. شـــیخ طوسی در کتاب المبسوط می‌گوید: «تعزیر به تشـــخیص امام واگذار شده اســـت و اجرای آن بر وی واجب نیست. اگر تعزیر را مصحلت دانست انجام می‌دهد اگر ترک را تشیخص داد، ترک می کند» و هم او در کتاب خلاف می‌گوید: «تعزیر به امام واگذار شده است و در این مسأله، خلافی بین فقهاء نیست و دلیل ما شیعه، ظاهر روایت است».

ادله مهم نفی مرور زمان از نظر فقهای شـــیعه، عموم و اطلاق ادله، عدم تخصیص حد بـــه زمان قریب، عدم تفاوت بیـــن فور و تراخی در اجرای حـــد و رعایت اصل اســـتصحاب می باشد. ولی اکثر فقهای اهل ســـنت از جمله فقهای حنفی و حنبلی به استناد قاعده استحسان(ما رآه المســـلمون حسنا فهو عندالله حسن) مرور زمان را پذیرفته‌اند.[۲] با توجه به این مطلب که قاعده مورد نظر گســـتره وسیعی از مفاهیم

---

۱. آخوندی، محمود(۱۳۷۱)؛«مرور زمان کیفری(چگونگی مشروعیت و فلسفه آن)»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره۶، ص۶۸.

۲. الطبرسی، شیخ، ابوجعفر، محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الامامیه، مؤسسه نشر اسلامی

را شـــامل می‌شود؛ نگارنده بر آن اســـت که قبل از بررسی تطبیقی قاعده مذکور در دو نظام حقوقی ایران و فرانســـه، به تبییـــن مفهوم مرور زمان و روایی آن در فقه و حقوق بپردازد.

گفتار نخست) تبیین مفهوم مرور زمان و مفاهیم مرتبط با آن

در لغت، کلمه مرور به معنای رفتن و گذشتن است.[۱] در فرهنگ لغات عرب، از مرور زمان به تعابیری چون مرور الزمن؛ مضی المده و تقادم یاد شـــده اســـت.[۲] از نظر برخی حقوق‌دانان نیز مرور زمان را از نظر لغوی می‌توان به معنای گذر زمان دانست.[۳]

فقهـــاء بر این باورند که مـــرور زمان در اصطلاح به گذشـــتن مدت زمانی اطلاق می‌شود که پس از آن، به واسطه حیازت(تسلط بر مالی که مالکی نداشته)، مالکیت ایجاد می‌شـــود که این امر خود به دو نوع زیر تقسیم شـــده و هرکدام ازاین اقسام احکام خاص خود را دارا است:[۴]

حیازت به همراه علم به مالک اصلی

شیخ طوســـی نیز در بیان معنی مصطلح از این مفهوم بیان می‌کند که روند گذر زمان، ســـبب سقوط حق مالک نشـــده و تا زمانی که مالک معین موجود باشد، حق مالک در ید وی (مالک) باقی خواهد ماند. شـــیخ طوســـی معتقد اســـت که موات بالعرض همانند زمین آباد اســـت و کســـی مجاز به آباد کردن آن نیست.[۵] هم راستا با عقیده شـــیخ طوسی، امام خمینی(ره) نیز بیان می‌کند که مرور زمان مسقط حق شـــرعی مالک نبوده و در پاسخ بسیاری از مســـایل و مشکلات مطروح، مساله مرور زمان را در سقوط حقوق افراد بی تاثیر دانسته است.[۶]

همـــان طوری که از مضمون مطالب بیان شـــده می‌توان دریافـــت، از نظر مکارم

---

۱. ابوحبیب، سعدی(۱۴۰۸) «القاموس الفقهی»، دمشق: دارالفکر، چاپ۲، جلد ۶، ص ۲۴۹.

۲. ابوالحســـین، احمد بن فارس(۱۴۰۴)«معجم مقائیس اللغه»، قم: دفتر تبلیغات اســـلامی حوزه علمیه قم، چاپ۱، جلد ۵، ص ۳۳۱.

۳. مهدوی، ابراهیم (۱۳۳۶) «در اطراف مرور زمان»،کانون وکلا، دوره۱، شماره ۵۲ ص ۳۲.

۴. عبدالرحمان، محمود (۱۴۱۹)«معجم المصطلحات و الفاظ الفقهیه»، جلد۱، قاهره: دارالفضیله، ص ۴۸۲.

۵. مکارم شیرازی، ناصر(۱۴۲۷)«استفتاآت جدید»، قم: مدرسه علی بن ابیطالب، چاپ دوم، جلد ۱، ص ۱۴۵.

۶. موسوی خمینی، سید روح الله(۱۴۲۶)توضیح المسایل، بیجا، بیتا، جلد دوم، ص ۲۵۴.

شـــیرازی در قوانین فقهی اسلامی مرور زمان وجود نداشته و تنها حالت موجود آن است که مرور زمان دلیل قطعی و یا حجت شرعی بر اعراض صاحب حق می‌باشد و گاه ممکن است عناوین ثانویه مانع از رسیدگی به این گونه جرایم یا حقوق گردد.[۱] پس در فقه باید به این امر تاکید کرد که مرور زمان مانع از استماع دعوی است اما مقصود، مرور زمانی است که بلا عذر واقع شده باشد. از نظر فقه اسلامی، حق پایدار است و مرور زمان مسقط اصل حق نخواهد بود. به علاوه، مرور زمان برای آن دسته از دعاوی که نفع آن به عمـــوم باز می‌گردد، از جمله راه های عمومی، نهرها، پیاده روها و غیره، همچنین به سبب وجود افرادی چون: مجانین، صغار، غایبین که افراز حق آنان از سایرین امکان پذیر نمی‌باشد، در نظر گرفته نمی‌شود.[۲]

در اصطلاح حقوقی نیز می‌توان بیان کرد که مرور زمان عبارت اســـت از ســـقوط تعهد به واســـطه گذشتن مدتی خاص، به گونه ای که قانون گذار بر سکوت صاحب حق و عدم مطالبه حقش، نتیجه ای اساســـی را مترتب می‌کند و آن عبارت است از عدم امکان الزام قضایی. در این باره باید توجه داشـــت که زمان، یعنی پایان مدت، گاهی حقی را ایجاد می‌کند و گاه تعهدی را ساقط می‌کند.[۳]

از منظر حقوق‌دانان، مرور زمان گذشتن مدتی است که پس از آن از دید قانونی، اعلام شـــکایت و یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوای عمومی و سرانجام اجرای مجازات، امکان پذیر نیست و چون مقررات راجع به مرور زمان علی الاصول مخالف قواعد مؤجد حق اســـت و جنبه استثنایی دارد، هنگام شک در سعه و ضیق مقررات مرور زمان باید تفسیر مضیق کرد.[۴]

ظرف زمان، منشـــاء تاثیراتی در عالم حقوق اســـت کـــه حقوق‌دانان نقش تعیین کننـــده ای برای آن در ارتباط بـــا تمامی ارکان و اصول حقوقی بیان کرده اند. البته برخـــی از حقوق‌دانان و صاحب نظران جهت تأیید نظر فقهاء و علماء، بین گذشـــت

---

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ص ۱۴۵.

۲. مجموعه من المولفین (۱۴۰۴) «موسوعه الفقیه الکویتیه»، کویت: دار السلاسل، جلد ۱، ص ۳۳۷.

۳. عطاءالله، برهام محمد(۱۹۹۲) «اساسیات نظریه الالتزام فی القانونین المصری و اللبنانی»، بیروت: دارالجامعیه، ص ۱۲۰.

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر(۱۳۷۶)«ترمینولوژی حقوق»، تهران: گنج دانش، چاپ۸، ص ۶۳۸ .

زمان و مواعد قانونی ناشی از آن و مرور زمان تفاوت هایی را در نظر گرفته اند:[۱]

مـــرور زمان در مفهوم خاص و از نظر ماهیت حقوقی به تنهایی ســـبب مملک یا مسقط حق و تعهد است و نیاز به تأثیر عامل دیگری ندارد، اما گذر زمان به تنهایی چنین خاصیتی را ندارد و فقط مهلتی است برای اجرای حق.

به لحاظ کاشف یا ناقل بودن حق، قاعده مرور زمان حاکی از انتقال کامل یک حق است، در حالی که گذشت زمان به هیچ وجه ناقل حق محسوب نمی‌گردد.

پدیده مرور زمان یک استثناء بر اصل استصحاب بقای حق می‌باشد، در حالی که گذشت زمان موافق اصل بقای حق سابق است.

پدیده مرور زمان به حقوق مالی اختصاص دارد، در حالی که گذر زمان در حقوق مالی و غیر مالی به طور یکسان تاثیرگذار است.

هر چند، بحث مذکور درحقوق و فقه متفاوت است و با وجود پذیرفته شدن مرور زمان به عنوان منشـــاء اسقاط دعوی در حقوق ایران، در فقه اسلامی، فقهاء و علماء با اســـتناد به جمله «الحق قدیم لایسقطه الشـــیء» بیان می‌کنند که مرور زمان به عنوان مسقط حق، خلاف شرع است؛[۲] حقوق‌دانان نیز تا اندازه ای موافق نظر فقهاء هستند و مرور زمان را موجب اسقاط حق فرد نمی‌دانند.

گفتار دوم) نقد و بررسی روایی مرور زمان از نظرصاحب نظران

با توجه به این امر که مبنا و اساس قوانین حقوقی در ایران، فقه است؛ به بررسی پیرامون قاعده مرور زمان و مشروعیت یا عدم مشروعیت آن در فقه می پردازیم. از نظر فقهاء، دو دیدگاه در این باره وجود دارد که در دیدگاه نخست، قاعده مذکور در حق و امور مرتبط با آن موثر است و در دیدگاه دیگر، مرور زمان تاثیری بر حقانیت مالک و یا اســـقاط آن ندارد. از نظر طرفداران وجود قاعده مرور زمان، دو دلیل برای اثبات این امر وجود دارد که شامل؛ روایات و فتاوی فقهاءمی‌شود.

درمـــورد روایات و احادیث موجود در قلمرو مرور زمان، می‌توان به روایتی به نقل از «سهل بن زیاد» اشاره کرد که در آن حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: «ان

---

۱. شهیدی، مهدی(۱۳۶۸) «سقوط تعهدات»، چاپ ۱، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۴۰.

۲. انصاری، مسعود(۱۳۸۴) «دانشنامه حقوق خصوصی»، تهران: محراب فکر، ص ۸۷ .

الارض لله تعالی جعلها وقفا علی عباده فمن عطل ارضا ثلاث سنین متوالیه لغیر عله اخذت من یده و دفعت الی غیره و من ترک مطالبه حق له عشر سنین فلا حق له»[۱].

کلینی بیان می‌کند که بر اســـاس این روایت برای مرور زمان دو گونه تأثیر مقرر شده که شامل موارد زیرین است:

مرور زمان عاملی مؤثر جهت ایجاد حق انتزاع یا ســـلب مالکیت زمین به وســـیله دولت می‌باشد. به موجب قسمت اول از این روایت، اراضی متعلق به خداوند است و او اراضی را جهت اســـتفاده بندگان خود اختصاص داده است. هرگاه کسی زمینی را سه سال متوالی بلا استفاده رها کند، زمین از مالک اخذ و به دیگری سپرده می‌شود. این حکم تنها شامل اراضی می‌گردد.

مرور زمان عاملی جهت ســـلب یا اســـقاط حق به طور قهری است. در ادامه این روایت می‌توان مشـــاهده کرد که روایت مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی حق خود را که برگردن دیگری دارد یا حقی که به وسیله دیگری استفاده می‌شود به مدت ده سال (متوالی) مطالبه نکند، این حق ســـاقط می‌گردد». پس، اسقاط حق مالی، طی مرور زمان ده ساله اتفاق می‌افتد.[۲]

البته برخی از فقهای شـــیعی معتقد به اســـقاط حق به واسطه مرور زمان در این روایت می‌باشـــند[۳] و بیان می‌کنند که «سهل بن زیاد» که غیرمعتمد شناخته شده اســـت، دارای روایات ضعیف و غیرمعتبر نیز هست.[۴] از این رو، این حدیث را معتبر و قابل قبول نمی‌دانند.

علاوه بر روایت بیان شـــده، روایتی دیگر را که وجود قاعـــده مرور زمان را مورد قبول می‌داند، می‌توان روایتی از علی بن ابی طالب (ع) دانست که در آن می‌فرماید:«من اخذت منه ارض ثم مکث ثلاث سنین لایطلبه الم تحل له بعدثلاث سنین ان یطلبها.» در این روایت، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «کسی که زمینی از او گرفته شود و سه سال از مطالبه آن خودداری کند، پس ازگذشت سه سال، مطالبه آن برای او جایز و حلال نیست.»[۱]

---

۱. کلینی، محمد بن یعقوب(۱۴۲۹) «الکافی»، جلد۵، قم: دار الحدیث للطباعه و النشر، ص ۲۹۷.
۲. همان، ص ۲۹۷.
۳. محقق داماد، مصطفی(۱۴۰۶)«قواعد فقه»، جلد ۱، چاپ ۱۲، تهران: مرکز نشرعلوم اسلامی، ص۲۸۰.۴.
۴. همان، ص ۱۸۵.

همان طور که از متن روایت یاد شـــده می‌توان دریافت، مرور زمان در این روایت نیز بر اســـقاط حق تأکید می ورزد کـــه در توجیه آن «حر عاملی» بیان می‌کند که شاید این روایات به مواردی اختصاص داشته که زمین پس از آن که در ابتداء احیاء و آباد شـــده بود، دوباره مخروبه گردد. وی همچنین بیان می‌کند که ممکن اســـت در روایت پیشین نیز، منظور از حق در پایان روایت، در مورد زمینی باشدکه در آن درخت غرس شده و سپس رها گشته و از بین رفته است.[۲]

علاوه بر اســـتناد بـــه روایات، برخی از فقهاء نیز به عقلایـــی بودن و معقول بودن این امر اشـــاره کرده و فتوا به صحیح بودن این قاعده می‌دهند. از جمله این فقهاء می‌توان به آیت الله بجنوردی اشاره کردکه معتقد است، نباید از عقلایی بودن قانون مرور زمان در مسائل کیفری اعم از تعقیب و رسیدگی یا مسائل حقوقی در اسقاط حق وحشت داشت و بیان شود که اسلام حکمی ندارد. وی بیان می‌کند که ما نیازی نداریم تا اســـلام بیاید یک روایتی بیان کند که من هم مـــرور زمان را قبول دارم. اگر بپذیریم که تمام عقلاء و تمام نظام های حقوقی دنیا این مسأله را قبول دارند، باید آن را قبول کنیم، ولو اینکه اسلام در مورد این مسأله به عنوان تأیید مستقل، نظری نداشته باشد.[۳] همچنین، در فتوایی دیگر نوری بیان می‌کند: «هرکس خانه ای یا ملکی یا زمینی را در دست دیگری رها کند، بدون اینکه تا ده سال در این باره، حرفی بزند و درخواستی بکند و دعوا و شکایتی را مطرح نماید؛ از آن حقی نخواهد داشت.»[۴]

برخـــی از فقهاء نیـــز معتقد به متاثر نبودن قاعده مرور زمـــان در قوانین و احکام اسلامی‌بوده و معتقدند که مؤثر دانستن مرور زمان با موازین شرع مخالف است. این فقهاء درباره مبحث اشـــاره شده، دلایلی را عنوان می‌کنند که در ادامه این گفتار به بررســـی این دلایل خواهیم پرداخت. این گروه از علماء نیز بر اساس دو دلیل اصلی

---

۱. حر عاملی، محمد(۱۴۰۹ق) «وســـائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشـــرعیه»، قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، جلد ۲۵، ص ۴۳۴.

۲. همان، ص۳۳۹.

۳. حاتمی، علی اصغر و ذاکری، محمد وحید(۱۳۷۹) «تجدید اعتبار مرور زمان در نظام حقوقی جمهوری اســـلامی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۸، ص ۴۸.

۴. نوری، حسین بن محمدتقی(۱۴۱۵) «خاتمه المستدرک الوسائل»، جلد ۱۷، قم: آل البیت، ص ۱۱۹.

که شامل روایات نبوی و فتواهای فقهاء می‌باشد، بر نظر خود پای بند هستند.

در این مورد می‌توان به سه روایت اشاره کرد که اولین روایت، روایت نبوی «ایبطل حق امره مسلم (وان قدم)» است به این معنا که حق یک مسلمان هیچ گاه باطل یا بی اعتبار نمی‌شود ولو این که مدتی (استفاده از آن) معطل بماند.[۱] و دیگری، روایتی از حضرت علی(ع) است که در آن حضرت می‌فرماید: «الحق القدیم لایبطله الشی» یعنی حق اشخاص را ولو قدیمی‌باشد هیچ عاملی از بین نمی‌برد.

در نهایت نیز می‌توان به روایت منقول دیگر از حضرت علی (ع) در نهج البلاغه اشاره کرد که درآن حضرت می‌فرماید: «الحق جدید و ان طالت علیه الایام والباطل مخذول و ان نصره اقوام» یعنی حق همواره تازه است، اگر چه روزگاران برآن بگذرد و باطل رفتنی است، اگر چه عده‌ای آن را حمایت کنند.[۲]

علاوه بر روایات ذکر شده که از دلایل اصلی عدم پذیرش قاعده مرور زمان در بین برخی از فقها ء می‌باشد، فتوای فقهاء نیز، از دیگر مسببات عدم پذیرش قاعده می‌باشد که در این رابطه می‌توان به فتوای شیخ طوسی اشاره کرد که بیان می‌کند، عدم مطالبه صاحب مال به مدت طولانی، مالکیت وی را بر مال مذکور باطل نکرده و دعوی مالکیت را باطل نمی نماید و این حق برای او جایز خواهد بود.[۳] همچنین، امام خمینی (ره) نیز در این باره مخالف تاثیر مرور زمان بر دعاوی کیفری بوده و معتقد می‌باشد که مرور زمان، در ایجاد و یا زائل گردانیدن حق، شرعا اثری ندارد.[۴]

مبحث دوم: بررسی مرور زمان کیفری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون کیفری فرانسه

همان طوری که بیان شد برخی فقها، معتقد به لزوم پذیرش قاعده مرور زمان در قوانین کیفری بوده و آن را مؤثر بر دعاوی بین افراد می‌دانند. در گستره نظام حقوقی

۱. حر عاملی، محمد (۱۴۰۹ق) «وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه»، قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، جلد ۲۵، چاپ ۱ ص۳۳۹.

۲. همان، ص ۴۳۴.

۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، بیتا، المسائل الحاثریات مندرج در وسائل العسر، قم: نشراسلامی، ص ۱۹۵.

۴. کریمی، حسین(۱۳۶۵) «موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، قم: انتشارات شکوری، ص۲۴۳.

ایران، حقوق‌دانان نیز به پیروی از فقهاء پرداخته و معتقدند که فلسفه پیدایش مرور زمان به منظور نظم دهی و مصلحت اندیشی برای اجتماع است و بر این باورند که رسیدگی به دعاوی کهنه حقوقی که مدتی است مسکوت مانده، برای قاضی متعسر است و ورود در آن به آسایش عمومی و در نتیجه به نظم عمومی آسیب می رساند.[۱]

ایـــن حقوقدانان بیان می‌کنند که هرچند اجرای مجـــازات درباره گناهکار برای تامین آســـایش عامه است، عفو و گذشـــت هم مصلحت جامعه را در بردارد.[۲] پس، می‌توان بیان کرد که در قانون مجازات اســـلامی ایـــران، قانون گذار به پیش بینی قاعـــده مرور زمان در دعاوی کیفـــری پرداخته و آن را در قانون مدنی موضوعه قرار داده است. به علاوه، با توجه به این امر که قوانین مرور زمان کیفری برای اولین بار وارد قوانین جزایی کشـــور فرانسه شـــده و از این کشور به دیگر نقاط جهان منتقل شـــده اســـت، باید اذعان کرد که این قاعده در قوانین موضوعه کشور فرانسه نیز از پایگاه ویژه ای برخوردار است.

گفتار نخست) نگاهی به قوانین مرور زمان کیفری در قانون مجازات ایران

قبل از انقلاب اســـلامی، قاعده مرور زمان در قوانین موضوعه، از حقوق فرانســـه اقتباس شده و نتیجتا در کاربرد و استفاده از آن قاعده مواردی مشابه نظام حقوقی فرانســـه، پیش بینی شـــده بود.[۳] اولین قانونی که راجع به مرور زمان در ایران وضع شـــد، «قانون مرور زمان اموال غیرمنقـــول مصوب ۱۳۰۶» و پس ازآن «قانون مرور زمان اموال منقول۱۳۰۸» است و قبل ازتصویب این دو قانون، در هیچ یک از قوانین ایران از قاعده مرور زمان استفاده نشده بود.[۴]

پس از انقلاب اسلامی، قاعده مرور زمان به توسط شورای نگهبان در امور کیفری و مدنی خلاف شـــرع شناخته شده و از نظام حقوقی ایران حذف گردید که به دلیل ایجاد مشکلاتی در رویه قضایی کشور، مورد پذیرش مجدد قرار گرفت. از این رو، در سال ۱۳۷۸ مرور زمان کیفری در مجازات های بازدارنده پذیرفته شد.[۱]

---

۱. شریف، علی (۱۳۴۲) «ایراد مرور زمان»، مجله کانون وکلاء ، شماره، ۸۶ ص۸۱.

۲. میررجالی، احمد (۱۳۱۷)«مرور زمان»، مجموعه حقوقی، شماره۸۰ ، ص ۲۵.

۳. وزیری، شهربانو (۱۳۸۳) «بررسی تحولات مرور زمان در جامعه بین الملل و قوانین داخلی کشورها»، تهران: اردهالی، ص۱۵.

۴. یاوری، فتح الله (۱۳۴۴) «ایراد مرور زمان»، مجله کانون وکلا، شماره ۹۵ ، ص۷۱.

در ادامـــه تغییر و تحولات حقوقی در ایـــران، در دوره پس از انقلاب و با توجه به وجود کم و کاســـتی های موجود در قاعده مرور زمان و لزوم تغییرات در این قاعده، قانـــون گذار به ایجاد تغییراتـــی در قانون مجازات پرداخته اســـت که در این باره، می‌توان به قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد.

با توجه به تغییرات اعمال شده، می‌توان دریافت که مقررات مرتبط با قاعده مزبور در مواد۱۷۳و۱۷۴از قانون آیین دادرسی کیفری سابق نسخ صریح شده و قانون گذار در قانون مجازات جدید با روی کردی تازه به مســـائل و جزئیات آن از نظر حقوقی پرداخته است.

مـــواد ۱۰۵تا ۱۱۳ قانون مجـــازات جدیدکه مـــرور زمان جرائـــم تعزیری را در امورکیفری پذیرفته است، از طرح شکایات واهی و بی نتیجه و اجرای احکام قطعی کیفری اعمال نشـــده جلوگیـــری می کند که اگر صحیح اعمـــال گردد، آثار مثبت خواهد داشت.

الف) قاعده:

بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قوانین مرور زمان نسبت به جرایم، اعم از قابل گذشت و غیر قابل گذشت به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱.مرور زمان تعقیب: این نوع از مرور زمان کیفری مربوط به مرحله قبل از شکایت و تعقیب کیفری می‌باشد که بر طبق آن، از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مهلت قانونی که مرور زمان حاصل می‌شـــود، تعقیبی صـــورت نگیرد. مرور زمان تعقیب در ماده ۱۰۵ از مبحث چهارم قانون مجازات اسلامی(مصوب ۱۳۹۲)مطرح گردیده است. بر اساس این ماده قانونی، مرور زمان در صورتی تعقیب جرایم موجب تعزیر را موقوف می کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد معین، تعقیب صورت نگرفته باشد. تاریخ وقوع جرم، مبدأ مرور زمان تعقیب و شکایت محسوب می‌شود.

طبـــق بند الف ماده ۱۰۵، اگـــر یک جرم تعزیری درجه یک تا ســـه تحقق یابد، ولی ۱۵ ســـال ازتاریخ وقوع آن بگذرد و تعقیبی نســـبت به آن جرم صورت نگیرد، با گذشـــت این مدت، دیگر قابل تعقیب نیســـت و نمی‌توان متهم را تعقیب کرد. در

۱. ساریخانی، عادل(۱۳۸۱)«ترجمه و تلخیص قوانین مالیاتی آلمان»، ترجمه مجید خرمی،گزارش شماره ۴، ص۱.

بندهای بعدی از این ماده نیز به جرم های تعزیری درجه چهار تا هشـــت پرداخته و مدت انقضای تعقیب متهم را بین ۱۰تا ۳ سال در نظرگرفته است. مواعد مرور زمان تعقیب بر اســـاس درجه جرم تعزیری متفاوت اســـت و همه جرائم تعزیری درجات هشت گانه مشمول مرور زمان تعقیب می‌شوند.

در تبصره ۲ از این ماده قانونی، مقنن بیان داشـــته اســـت که مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رای مرجعی که رســـیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می‌شـــود. با توجه به ماده قانونی می‌توان بیان کرد، منظور مقنن صدور حکم قطعی اســـت نه تعقیب کیفری و درصدد بیان مرور زمان صدور حکم می باشـــد. به لحاظ اینکه تعقیب کیفری آغاز شده قاطع این نوع مرور زمان است.

۲.مرور زمان شـــــکایت: مقنن در ماده ۱۰۶ از این قانـــون نیز مقرر می‌دارد: «در جرائم تعزیری قابل گذشـــت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود مگر این که تحت ســـلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شـــکایت نباشـــد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود». در ادامه این ماده نیز مقنن به فوت متضرر از جرم، قبل از انقضای مدت مذکور اشـــاره کرده و بیان می‌کند که فوت وی دلیلی بر صرف نظر از طرح شـــکایت نبوده و هر یک از ورثه او، در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت دارند. البته، تبصره این ماده قانونی مقرر داشته است: «غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، منظور مقنن اعم از سلطه مادی و معنوی است، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می‌شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده ۱۰۵ قانون مجازات، مشمول مرور زمان نشده باشد.»[۱]

مرور زمان شـــکایت، فرع بر مرور زمان تعقیب اســـت. پس اگر شـــاکی یا ورثه او تحت سلطه متهم باشند در این صورت حتی با فرض شمول مرور زمان تعقیب، حق شـــکایت کیفری برای شـــاکی یا ورثه او محفوظ است و در صورت عدم تحقق مرور زمان شـــکایت در جرایم تعزیری قابل گذشت، به لحاظ این که مشمول مرور زمان تعقیب شـــده است حق شکایت کیفری برای شـــاکی و ورثه او ساقط می‌گردد و به

۱. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

ســـخن دیگر، اگر مشمول مرور زمان تعقیب شده باشد ولو این که از جرایم تعزیری قابل گذشـــت بوده و یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم منقضی نشده باشد، حق شکایت کیفری شاکی و ورثه او ساقط می‌شود.

در اینجا ســـوآلی مطرح می‌گردد که آیا با توجـــه به ماده ۱۰۶ قانون مجازات اســـلامی ۱۳۹۲ مرور زمان شـــش ماهه شـــکایت کیفری در قانون صدور چک، اصلاحی ســـال ۱۳۸۲ نســـخ گردیده اســـت یا نه؟. به نظر می رسد همان گونه که با وجود مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آیین دادرســـی کیفری ۱۳۷۸ قانون مذکور نســـخ نشده بود، ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مرور زمان شش ماهه شکایت مقرر در قانون چک را نســـخ نکرده و قانون مذکور که قانون خاص است با قانون مجازات اســـلامی ۱۳۹۲ که قانون عام است نسخ نگردیده است. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضایی به شـــماره ۲۰۲۴/۹۲/۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۷ نیز حاکی از تأییداین امر می باشد.

۳. مرور زمان صدور حکم: دســـته ای دیگر از مرور زمـــان کیفری که در قانون مجازات اســـلامی‌به آن پرداخته شـــده اســـت، مربوط به زمان صدور قطعی حکم می‌شـــود که بر اســـاس آن، اگر از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی و تحقیقی تا انقضای مهلت زمانی که برای مرور زمان لازم است، در رابطه با موضوع، حکمی صادر نشود، پس از انقضای مهلت قانونی، موضوع مشمول مرور زمان خواهد شد.

در این باره ماده ۱۰۵ قانون مجازات اســـلامی نیز مـــرور زمان را از تاریخ آخرین اقـــدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای مواعد مذکور دانســـته ودر صورتی که اقدامات انجام شـــده به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشـــد، آن را مرعی می‌داندکه بر خلاف ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرســـی کیفری سابق مبدأ مرور زمان صدور حکم از تاریخ اولین اقدام تعقیبی مطرح شده بود.

بر اساس تبصره ۱ از این ماده قانونی، منظور از اقدام تعقیبی یا تحقیقی،«اقدامی اســـت که مقامات قضایـــی در اجرای یک وظیفه قانونـــی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، اســـتماع اظهارات شـــهود و مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضایی انجام می‌دهند.[۱]

البته همان طور که قانون گذار در قانون مجازات جدید نسبت به مرور زمان بیان می‌کنـــد، در خور یادآوری اســـت که مقامات قضایی باید دســـتور لازم را در جهت اقدامـــات تعقیبی و تحقیقی صادر نماینـــد و از این رو، هرگاه مدیر دفتر یک مرجع کیفری دســـتور تجدیـــد اوراق احضاریه و ابلاغ مجدد آنهـــا را بدهد، حتی اقدامات ضابطین در مورد کشـــف جرم، اقدام تعقیبی و تحقیقی، موضوع این ماده محسوب نمی‌شود.

ایـــن اقدامات قاطع مرور زمان صـــدور حکم نخواهد بود و اثر مرور زمان تعقیب و صدور حکم منجر به تصمیم قضایی مبنی بر قرار موقوفی تعقیب خواهد بود و مدت قانونی مرور زمان تعقیب و صدور حکم در ماده ۱۰۵ قانون مجازات یکسان است.

۴.مـــرور زمان اجرای حکم: آخرین نوع از اقســـام مرور زمـــان کیفری در قانون مجازات اخیر، مرور زمان اجرای حکم اســـت. ایـــن مرور زمان، اجرای احکام قطعی را در صـــورت عدم اجرای حکم از تاریخ قطعی شـــدن حکم تا انقضای مهلت مقرر قانونی که برای مرور زمان لازم است، متوقف می‌کند. بر اساس قاعده مرور زمان در اجـــرای احکام، تمامی احکام کیفری از نوع جرایم تعزیری که مدت قانونی از قطعی شدن آنها گذشته باشد و به هر دلیلی حکم اجراء نشده باشد،ولو اینکه رفتار عمدی محکوم مانع اجرای حکم شود، دیگرغیر قابل اجراء است.

مـــاده ۱۰۷ قانون مجازات اســـلامی‌در این باره مقرر مـــی‌دارد چنانچه در جرائم تعزیری درجه یک تا سه، از صدور حکم قطعی مدت بیست سال گذشته و در طول این مدت حکم اجراء نشـــده باشـــد، مرور زمان، اجرای آن حکم را متوقف می‌کند. همچنیـــن، در بندهای بعدی از این ماده قانونی، زمان توقف اجرای حکم در جرائم درجه چهار تا هشت به ترتیب پانزده تا پنج سال مقرر شده است.

مواعد مرور زمان اجرای حکم به تناسب درجات جرم تعزیری متفاوت بوده و آنچه محل تامل اســـت مدت مرور زمان اجرای حکم از مرور زمان تعقیب و صدور حکم بیشتر است.

عـــلاوه بر ماده قانونی مذکور، مقنن در ماده ۱۰۸ قانون نیز مقرر داشـــته اســـت:

---

۱. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

«هرگاه اجرای مجازات، شـــروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود، شروع مـــرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع اســـت، مگر این که اجـــرای مجازات براثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی‌شود.»[۱] مانند فرار محکوم علیه پس از شـــروع به اجرای حکم که مانـــع تحقق مرور زمان اجرای مجازات است.

با اســـتناد به این ماده قانونی می‌توان گفت چون مـــرور زمان از قواعد مربوط به نظم عمومی و از قواعد آمره اســـت، اشـــخاص نمی‌توانند برخلاف آن توافق کنند و عدم توجه به آن از طرف مقامات تعقیب و تحقیق،مقامات رسیدگی و اجرای حکم، تخلف انتظامی محســـوب می‌شود. در این باره دکتر علی آبادی بیان می‌کند که در صورت ارتکاب جرم جدید و محکومیت قطعی، مرور زمان قبلی قطع شـــده و مرور زمـــان از تاریخ آخرین انقطاع جریان پیدا می‌کند کـــه این امر از مفهوم ماده ۱۰۸ قانون مجازات اسلامی نیز بر می آید.[۲]

انقطاع مرور زمان فقط ناظر به جرمی اســـت که تعقیب و تحقیق به عمل آمده و به سایر جرایم مرتکب تسری نمی‌یابد. انقطاع مرور زمان نفس جرم را از بین می‌برد بنابراین کلیه کســـانی که از جریان مرور زمان بهرمندنـــد از انقطاع آن نیز متضرر خواهند بود. پس اگر کسی مرتکب جرم تعزیری شود،برای معاون آن جرم، چنانچه مجازات معاون جرم مشـــمول مرور زمان شده باشـــد، قرار موقوفی تعقیب او صادر می‌گردد ولو آنکه جرم مباشر مشمول مرور زمان نشده باشد.

مطابق صدر ماده ۲۵ قانون مجازات اســـلامی لاحق، مـــرور زمان اجرای مجازات فقط مجازات اصلی را زائل می کند لکن آثار تبعی محکومیت کیفری قطعی به قوت خود باقی است.

اگر یک تبعهٔ ایرانی در خارج از قلمرو ایران مرتکب یک جرم تعزیری شـــود و در محـــل وقوع جرم تعقیب و محاکمه و محکوم شـــده اما اجرای مجازات موقف مانده

---

۱. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲. علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵) «حقوق جنایی»، جلد ۲، چاپ ۲، تهران: انتشارات فردوسی، ص ۳۹۸.

باشـــد، در حدود مقررات و موافقت نامه‌های قانونی، حکم دادگاه های خارجی می تواند مشمول مرور زمان اجرای حکم طبق تبصرهٔ ۲ ماده ۱۰۷ قانون مجازات شود، در صورتی که طبق ماده ۷ قانون مجازات اســـلامی، اگر یکی از اتباع ایرانی که در خارج از قلمرو ایران مرتکب جرم تعزیری شـــده باشد مشمول مرور زمان تعقیب و شکایت نخواهد شد.

مرور زمان شـــکایت و تعقیب منصرف به جرایم آنی است؛ در مرور زمان تعقیب، مبدا مرور زمان از فردای روز وقوع جرم اســـت و مبدأ مرور زمان شکایت در جرایم تعزیری قابل گذشـــت و نه در جرایم تعزیری غیرقابل گذشت، فردای روز اطلاع بزه دیده اســـت. به لحاظ این که در جرایم، اصل بر غیرقابل گذشتن بودن است و قابل گذشت بودن جرایم استثناء است و استثناء نیاز به تصریح مقنن دارد.

در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اســـلامی جرایم غیرقابل گذشت احصاء گردیده است و جرایم تعزیری غیرقابل گذشـــت صرفا مشمول مرور زمان تعقیب می‌گردد. جرایم تعزیری که با شـــکایت شاکی شـــروع به تعقیب متهم می‌شود اما با گذشت شاکی، تعقیب ادامه می یابد، این نوع جرایم مشمول مرور زمان تعقیب و شکایت می‌گردد.

بنابراین، در جرم مستمر مانند ترک انفاق یا تصرف عدوانی که مرتکب در حال ارتکاب جرم است. مبدأ مرور زمان، زمانی است که استمرار قطع شود، به این دلیل اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۵۸۱/۷ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۶ جرم تصرف عدوانی را به لحاظ استمرار، مشمول مرور زمان نمی‌داند، حق شکایت شاکی یا ورثه او باقی خواهد بود. (رای وحدت رویه شماره ۶۵۹ مورخ ۱۳۸۱/۳/۷) مؤید این مطلب است.

در جرایم اســـتمرار یافته که ماهیتاً جرم آنی اســـت که به دفعات تحقق می یابد با یک اندیشـــه مجرمانه (عنصر معنوی واحـــد) رفتار مجرمانه (عنصر مادی متعدد) جرم به وقوع می پیوندد، مرور زمان تعقیب و شـــکایت در این گونه جرایم از فردای روز زمان وقوع اولین جرم،شـــروع می‌شـــود و در جرایم به عادت همانند اعتیاد به مواد مخدر، مبدأ مرور زمان از فردای روز رفتار تشـــکیل دهنده عادت(دومین جرم ارتکابی) اســـت ودرجرایم دارای عنصر مادی مرکـــب مانند جرم کلاهبرداری زمان شروع مرور زمان آخرین فعل یا جزء عنصر مادی است.

ب) مستثنیات قاعده:

در ادامه بررســی و تبیین قانون مجازات جدید درباره مرور زمان کیفری، می‌توان به مبحث مستثنیات این قاعده اشاره کرد:

برابرماده ۱۰۹ قانون مجازات، برخی از جرائم مســتثناء بوده و مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شود مانند موارد زیرین:

جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور؛ جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضــوع تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات و جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر.

بر اســاس مواد قانونی ۴۹۸ تا ۵۱۲ از بخش تعزیــرات فصل اول از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، به لحاظ اهمیت در ارتباط با نقض ارکان نظام حکومت، از شــمول مرور زمان تعقیب و صدور حکم واجرای مجازات خارجند ولی به نظر می رســد که معاونت و شروع به جرم در این گونه جرائم، مشمول مرور زمان می‌شود.

همچنیــن، درمورد جرایم موضوع قانون مبارزه با مــواد مخدر، می‌توان گفت که کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر علی الاطلاق و جرایم اقتصادی یا به عبارتی جرایم علیه حقوق مالی دولت که در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اســلامی احصاء شده است،در شمار موارد یاد شده است.

البتــه کلاهبرداری جرم علیه اموال و مالکیت اســت و نه جرایم اقتصادی،ولی به هر حال جزء این جرایم شــمرده شــده است وتوجه به تعیین رقم مادی جرم یعنی بــا رعایت مبلغ یک میلیارد ریال یا بیش از آن، مشــمول قاعده مرور زمان نخواهد شــد. مگر این که رقم موضوع جرم کمتر از مبلغ مقرر باشد که مشمول قاعده مرور زمان خواهد شد.

ســؤالی که در اینجا قابل مطرح نمودن اســت این اســت که آیا جرایم در حکم کلاهبرداری از جمله بزه انتقال مال غیر، مشــمول بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی می‌شود؟.در پاسخ باید گفت در کلیه مواردی که مقنن رفتار مجرمانه را در حکم کلاهبرداری تلقی نموده است، تمامی آثار کلاهبرداری، بر آن اعمال مجرمانه

مترتب است و با رعایت نصاب مقرر در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره ذیل آن مشـــمول ممنوعیت مقرر در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص عدم شمول مرور زمان می باشد. اما اگر مقنن صرفاً مجازات رفتار مجرمانه را، به مجازات مقرر برای جرم کلاهبرداری احاله نموده باشـــد،چون کلیه اثار جرم کلاهبرداری به آن جرم مترتب نیســـت، در نتیجه مشـــمول ممنوعیت مذکور در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی نیز نمی باشد.

به نظر می رسد شروع و معاونت در این گونه جرایم مشمول مرور زمان شود، چون اصل براین اســـت که کلیه جرایم تعزیری با توجه به درجه آن مشـــمول مرور زمان باشـــد واستثناء بعضی از جرایم از شـــمول مرور زمان،نیازمند تصریح قانونی است و عدم تصریح مقنن را باید تفسیر مضیق نمود.

البته ذکر این نکته ضروری اســـت که ماده ۱۱۲ از قانون مجازات مقرر داشته که قطع مرور زمان مطلق اســـت و نســـبت به همه شرکاء و معاونان جرم اعم از آن که تعقیب شـــده یا نشده باشند، اعمال می‌شود. همچنین، شـــروع به اجرای حکم در مورد برخی از شـــرکاء یا معاونان جرم، قاطع مرور زمان اجرای حکم نسبت به دیگر محکومان است. متوقف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از پرداخت و ادای حقوق مدعی خصوصی نیســـت و متضرر از جرم می‌تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه کند.

در خصوص ماده ۱۱۰ قانون مجازات اسلامی، به نظر می رسد در خصوص جرایم تعزیری، امکان صدور احکام متعدد از ســـوی یک دادگاه و یا دادگاه های متعدد با صلاحیت محلی متفاوت یا با صلاحیـــت ذاتی متفاوت به لحاظ رعایت قاعده تعدد منـــدرج در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اســـلامی و رعایت قاعده مندرج در ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرســـی کیفری اخیرالتصویب، وجود ندارد ولو این که اتهامات متعدد متهم در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد.

دادگاه رســـیدگی کننده نمـــی تواند به اعتبار وجود اتهـــام دیگری که صلاحیت رســـیدگی به آن را ندارد، مقررات تعدد جرم را درباره متهم رعایت نکند. هر دادگاه به موضوع مربوط به خود با رعایت صلاحیت ذاتی رســـیدگی وحکم لازم صادر می

نماید که احکام، پس از قطعیت، مشـــمول بند پ ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرســـی جدید خواهد شـــد و برای صدور حکم واحد بر اساس مقررات تعدد جرم، پرونده یا به دادگاه صالح بر اساس بند الف یا بند ب ارسال می‌گردد.

بعید به نظر می رسد منظور مقنن از احکام متعدد از باب سایر جرایم اعم از حد، قصاص و دیه باشـــد. چون قاعده مرور زمان مختص جرایم تعزیزی اســـت و شامل جرایم تعزیری منصوص شرعی نمی‌شود.

البته از باب تعدد مجازات در خصوص یک جرم، این موضوع طی یک حکم امکان تحقق دارد که بدیهی اســـت اجرای هر یـــک از مجازات ها، قاطع مرور زمان اجرای سایر مجازات های اصلی خواهد بود.

دربـــاب تکرار جرم، که بعد از صدور حکم قطعی و قبل از اجرای مجازات ســـابق نســـبت به جرم لاحق حکم قطعی صادر شود و از نظر اجرای حکم با لحاظ مقررات هم زمان باید اجراء شود، شروع به اجرای هر یک از محکومیت ها قاطع مرور زمان محکومیت های دیگر خواهد بود.

به موجب مواد ۲۴۵ تا ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی دو نوع قذف در قانون مجازات مذکور پیش بینی شـــده است. قذف مشـــمول مجازات حد(ماده ۲۵۱) و قذفی که دارای مجازات تعزیری است. قذف غیرمسلمان، غیرعاقل، غیربالغ، غیر معین،(تبصره ماده ۲۵۱) قذف فرزند از سوی پدر یا جد پدری (ماده ۲۵۹) قذف کسی که در حال اکراه یا عدم بلوغ اســـت (ماده ۲۵۳) از جمله قذف هایی است که مشمول مجازات تعزیری است.

با عنایت به این که مرور زمان در جرایم حدی و موجب قصاص و دیه جریان ندارد و گذشـــت زمان موجب اسقاط حق در موارد مذکور نمی‌شود و مقنن مرور زمان را تنها در تعزیرات پذیرفته است، مجازات حد قذف مشمول مرور زمان نخواهد شد. اما در مواردی که قذف موجب تعزیر می‌شود همانند آنچه که در بالا بیان شد با توجه به این که این نوع جرایم در زمره تعزیرات منصوص شـــرعی است، به موجب تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی، مشمول مرور زمان نمی‌گردد.

قذفی که ســـزاوار تعزیر نیز می‌شود، مشمول مرور زمان اعم از شکایت و تعقیب و

صدور حکم و اجرای حکم نخواهد شد.

امـــا در خصوص ماده ۱۱۱ قانون مجازات اســـلامی آنچه لازم به ذکر اســـت در ایام تعلیق اجرای مجازات یا حکم آزادی مشـــروط مرور زمان شروع نمی‌شود، زیرا مبدأمرور زمان از تاریخ لغو قرار یا حکم خواهد بود نه زمان صدور حکم قطعی.

این موضوع در تبصره ۲ ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص صدور قرار اناطه قابل توجه اســـت،چون مبدأ مرور زمـــان صدور حکم قطعی در چنین حالتی، از زمان صدور حکم قطعـــی دادگاه حقوقی خواهد بودو از زمان صدور قرار اناطه تا زمـــان صدور حکم قطعی حقوقی، این مـــدت هم جزء مدت مرور زمان صدور حکم نخواهد بود.

همچنین در قرار تعلیق تعقیب مندرج در تبصره ۱ ماده ۸۱ قانون ایین دادرســـی کیفری، مبدأ مرور زمان تعقیب از زمان لغو این قرار است و مدتی که تعقیب معلق بوده اســـت جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شـــود و در قرار تعویق صدور حکم، صدور حکـــم معلق می ماند. زمان لغو این قرار، مبدا مرور زمان صدور حکم خواهد بـــود نه زمان آخرین اقدامات تعقیبی و تحقیقـــی مقامات قضایی و مدت زمانی که صدور حکم به تعویق افتاده باشد،جزء مدت مرور زمان محسوب نخواهد شد.

یکی از وظایف مرجع تحقیق، شناسایی متهم و از جمله اهداف تحقیقات مقدماتی است.

با عنایت به ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرســـی کیفری اخیرالتصویب، اولین وظیفه بازپرس، تحقیق در خصوص عمل ارتکابی و حفظ آثار و علایم و ادله وقوع جرم است و پس از آن، مکلف به شناسایی و انتساب بزه به متهم است. بنابراین در صورت عدم معرفی متهم از سوی شاکی و ناشناخته بودن هویت وی، حسب اختیارات حاصله از ماده قانونی فوق، مقام تحقیق پس از گذشـــت دو سال از وقوع جرم،اگرمرتکب جرم معلوم نشـــود، اقدام به صدور قرار توقف تحقیقـــات خواهد کرد. در این مورد هم به نظر می‌رسد از تاریخ صدور قرارتوقف تحقیقات، مبدأ مرور زمان، صدور حکم قطعی خواهد بود. چون با صدور قرار توقف، اقدام تعقیبی و تحقیقی متوقف می‌گردد ولی اگر با صدور قرار توقف تحقیقات و ســـپری شـــدن مدت مقرر قانونی حسب درجات

جرم تعزیری، مرتکب جرم معلوم شـــود چنانچه مشـــمول مـــرور زمان صدور حکم قطعی نشـــده باشد، به دستور دادســـتان موضوع مجدداً تعقیب می‌شود در غیر این صورت از موارد صدور قرار موقوفی تعقیب است.

مـــورد دیگری از حق تقاضـــای تعقیب مجدد مندرج در مـــاده ۲۷۸ قانون آیین دادرســـی کیفری، به لحاظ این که تقاضای موصوف فاقد مهلت اســـت، تابع ضوابط عمومـــی مرور زمان اســـت. چنانچه مدت مقرر قانونی حســـب درجه جرم تعزیری ســـپری شده باشد تعقیب متوقف می‌شود در غیر این صورت امکان تعقیب مجدد با شرایط پیش بینی شده در قانون وجود دارد.

هرچنددر این موارد از ســـوی مقنن تعیین تکلیف نشـــده، اما چون هدف قوانین شکلی حفظ حقوق و آزادی های متهم است، قاعده مرور زمان خلاف اصل و استثناء است و باید تفسیر مضیق شود. این نوع تفسیرمضیق به نفع متهم است و از تضییع حقوق مکتسبه او، جلوگیری می‌کند.

حال سوآلی در اینجا مطرح است که چنانچه جرمی‌در زمان حاکمیت قانون سابق واقع شـــده و مرور زمان بر اســـاس مقررات حاکم در زمان ارتکاب جرم شروع شده اســـت با تصویب قانون جدید مواعدو قواعد مرور زمان مطابق کدام قانون محاسبه و عمل می‌گردد؟. در پاســـخ باید گفت حتی یک روز قبل از لازم الاجراء شدن قانون لاحق، اگر جرم مشـــمول مرور زمان موضوع ماده ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری شـــده باشد، از موجبات صدور قرار موقوفی تعقیب خواهد بود و چنانچه یک روز قبل از این که مشـــمول قاعده مرور زمان شـــود قانون لاحق لازم الاجراء شود، با توجه به صراحت بند «ت» ماده ۱۱ قانون مجازات مشـــمول مقررات ماده ۱۰۵ و ۱۰۷ این قانون خواهد شد.

در خصـــوص قواعد، از جمله در زمان رســـیدگی مطابق قانون لاحق در خصوص مرور زمان صدور حکم قطعی، مبدأ محاســـبه تاریخ آخرین اقدام تعقیبی و تحقیقی خواهد بود نه اولین اقدام تعقیبی و سایر موارد بیان شده در قانون لاحق.

در این گفتار، همواره به بررسی قاعده مرور زمان در قانون مجازات اسلامی جدید پرداخته شد، اکنون قاعده مزبور، در قوانین فرانسه نقد وبررسی خواهد شد.

گفتار دوم) نگاهی اجمالی بر قوانین کیفری فرانسه درباره مرور زمان کیفری

در بررسی و تبیین قوانین کیفری فرانسه، می‌توان دریافت که پایه های فلسفی اولین قوانین کیفری در این کشور، مبتنی بر اندیشه اصالت فرد، حفظ ارزش ها و حمایت از اشخاص و مالکیت بوده که اولین هدف آن دفاع از شخص انسانی و دفاع از او در برابر هرنوع تعرض است. با وجود این،رسالت های سه گانه در حقوق جزای فرانسه عبارتند از: رسالت سرکوبگر که به منظور دفاع از جامعه مردمی و وضع ضمانت اجرای جزایی بوده و جنبه شخصی کردن مجازات‌ها را، روز به روز تقویت می کند؛ رسالت بیانگر که حقوق جزا مبین ارزش های اساسی جامعه در یک زمان معین است و در مجازات هایی که برای موارد نقض آن ارزش ها پیش بینی شده است،خلاصه می‌شود؛ رسالت تربیتی که در آن، حقوق جزا علاوه بر ممنوعیت های موجود، معیارهایی نیز وضع می کند.[۱]

با توجه به این امر که یکی از اهداف حقوق جزای فرانسه تبیین ارزش های جامعه در یک دوره زمانی معین می‌باشد، می‌توان بیان کرد که یکی ازاصول پذیرفته شده که از قوانین رم باستان وارد قوانین این کشور شده و سابقه‌ای طولانی در قوانین کیفری فرانسه دارد، اصل مرور زمان است که در ماده ۲۲۱۹ قانون مدنی این کشور آمده است: «مرور زمان وسیله تملک یا برائت ذمه است، بر اثر گذشتن مدتی به شرایطی که قانون معین کرده است.»

در بررسی و تحلیل قانون مذکور، باید عنوان کرد که هرچند مرور زمان در قوانین کشور ایران از قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است؛ اما دو ویژگی مطرح و مهم آن که در قوانین فرانسه مورد توجه قرارگرفته و به آنها پرداخته شده است، شامل: مسقط حق و مملک بودن(مواد ۷۱۲ و ۱۲۳۴ و پاره ای مواد دیگر....)، در حقوق ایران ذکر نشده و در قوانین کشور ما، تنها به مرور زمان مسقط دعوی پرداخته شده است که علت آن را می‌توان عدم مخالفت قوانین موضوعه ایران با اصول و موازین شرعی دانست.[۱]

در ادامه بحث، به منظور امکان طرح ویژگی‌های حقوقی مرور زمان در سیطره

---

۱. ژان پرادل، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ دانشگاه شهید بهشتی.

حقوقی فرانسه، اقسام مرور زمان را بر اساس قوانین موضوعه کشور فرانسه به اختصار مرور خواهیم کرد:

۱- مرور زمان مملک، یکی از انواع مرور زمان می‌باشد که به کسب ملکیت چیزی که متعلق به دیگران بوده است می‌پردازد. در این نوع از مرور زمان، مالک اموالی که در طی مدت مدیدی در مقام مطالبه یا اعمال حقوق خود نسبت به آن افرادی که متصرف مال وی بوده اند، برنیامده و سکوت کرده است، امتیاز و حق مالکانه خودش را، نسبت به آن مال، از دست می‌دهد. در این حالت، مرور زمان، «سبب مملک» می‌گردد(ماده ۲۲۱۹ از قانون مدنی فرانسه).[۲]

از نظر متن در حقوق فرانسه مرور زمان مملک یکی از مبانی اساسی مالکیت در اموال غیر منقول به شمار آمده و یک مستند مستقل است که اعتبارش بیش از سند انتقالات بوده و از خدشه ای که به نوشته می توان اعمال کرد، مصون است.[۳] مرور زمان مملک دامنه وسیعی ندارد، زیرا تنها در قلمرو حقوق عینی تحقق می‌یابد. به نحوی که حق مالکیت یا حق انتفاع یا حق ارتفاق را در بر می‌گیرد.

۲- مرور زمان مسقط حق، یکی دیگر از انواع مرور زمان است که در راستای سقوط تعهد و آزاد شدن ذمه متعهد در برابر طلبکاری که ظرف مدت مدیدی اجرای تعهد را از بدهکار درخواست نکرده است، ایجاد می‌شود.

مرور زمان مسقط حق در قوانین فرانسه، مبتنی بر اماره پرداخت دین است و تحت عنوان «مرور زمان های استثنائی» در مواد ۲۲۷۱ الی ۲۲۸۱ قانون مدنی فرانسه ذکر شده است. این اصل مربوط به تعهداتی است که معمولادر مراودات متعارف مردم ظرف مدت کمی ایفاء می‌گردد و برای آنها سندی تنظیم نمی‌شود.

بر اساس دو نوع بیان شده از مرور زمان می‌توان گفت با تحقق مرور زمان، موضوع حق یا دین بدون اراده و میل هریک ازطرفین به طور کامل و بدون این که در طول زمان نقصی در آن حاصل شود، از شخصی به دیگری منتقل گردیده و اگر انتقال

---

۱. کاتوزیان، ناصر(۱۳۷۴) «نظریه عمومی تعهدات»، تهران: نشر یلدا، ص ۵۱۴.

۲. شهیدی، مهدی(۱۳۶۸)«سقوط تعهدات»، تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی، ص ۱۴۱.

۳. متین دفتری، احمد (۱۳۳۷) «آیین دادرسی مدنی»، جلد ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۷ و ۱۸.

گیرنده به میل خود موضوع تعهد را به نفر اول برگرداند، دعوی اســـترداد او، تحت عنوان ایفای ناروا مسموع شمرده می‌شود.

۳- مرور زمان مسقط دعوی، از دیگر انواع مرور زمان می‌باشد که در کشور ایران نیز به رسمیت شناخته و در قوانین حقوقی ایران، از آن یاد شده است.

به نظر برخی اساتید، مرور زمان مسقط دعوی وسیله‌ای در دست خوانده به شمار می آید که برای اسقاط دعوی خواهان و جلوگیری از استماع آن به کار می رود. به همین جهت، در قوانین ماهوی ایران همانند قوانین فرانســـه،که قبلا ذکری از مرور زمان به عمل نیامده و مقررات مربوط به آن فقط در قانون آیین دادرســـی بود، در حال حاضـــر در تغییر و تحولات به عمل آمده در قانون مجازات اســـلامی انعکاس یافته است.[۱]

در قوانین فرانســـه، مرور زمان مســـقط دعوی به گونه ای است که تعهد حقوقی، خصیصه الزامی بودن خود را از دســـت نمی دهد و مـــرور زمان تنها عنصر ضمانت اجراء را از آن می‌گیرد و بـــه یک تعهد طبیعی تبدیل می‌گردد.[۲] درماده۲۶۶ قانون مدنی نیز، تعهدطبیعی مورد پذیرش مقنن قرار گرفته است.

تعهد طبیعی، تعهدی اســـت که ضمانت اجرایی نـــدارد، در واقع متعهد مدیون است، ولی مجبور نیســـت دینش را اداء نماید و طلبکار طلب دارد ولی حق مطالبه ندارد، اگر متعهدبه میل خود ایفاء دین نماید، دیگر نمی‌تواند از باب ایفای ناروا اقامه دعوی کند.

با بررســـی اجمالی که در باره سه قسم از مرور زمان شد، می‌توان دریافت که بین مرور زمان مملک، مرور زمان مســـقط حق و مرور زمان مسقط دعوی، یک اختلاف اساســـی وجود دارد که بر اساس آن، در مرور زمان مسقط حق و مرور زمان مملک، مبناء اماره اعراض از حق یا ابراء دین است، در حالی که در مرور زمان مسقط دعوی، مبناء نظم عمومی است.[۱]

با اذعان به اهمیت مرور زمان در قوانین حقوقی فرانســـه و تاکید اصلی بر تحقق

---

۱. شهیدی، مهدی(۱۳۶۸) «سقوط تعهدات»، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص۱۳۹.

۲. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، ص ۴۷۷ به بعد.

مرور زمـــان کیفری، باید عنوان کرد که اقامه دعوی در این کشـــور، در یک مهلت خاص قابل اجراءاست که برطبق قاعده عمومی و بر اساس ماده ۲۲۶ آیین دادرسی مدنی فرانســـه، زمان قابل قبول ۳۰ سال بوده و در مورد تعهدات خارج ازقراردادها، بر مبنای ماده ۱- ۲۲۷۰، این مهلت به ۱۰ســـال کاهش یافته اســـت[۲] و بعد از اتمام این زمان، دیگر نمی تواند موردرسیدگی قرارگیرد.

در بررسی و تبیین قاعده مرور زمان در حقوق جزا و دعاوی کیفری کشور فرانسه نیز، تنها زمانی دعاوی کیفری قابل طرح است که در یک مهلت خاص مطرح شود. به طوری که، پس ازآن دیگرقابل طرح نیست.

مواد۷، ۸ و ۹ آئین دادرســـی کیفری فرانسه مقررکرده است که شمول مرور زمان در امور جزائی باید به دقت در تمام موارد کیفری مشـــخص شود، زیرا این مقوله نه تنها به لحاظ آثار بلکه از نقطه نظر اهداف نیز در این موارد متفاوت اســـت.[۳] از این رو، برخی مؤلفین معتقدند که طبق قوانین کیفری فرانســـه، شمول مرور زمان در جرائم و مجازات ها، از دو منظر قابل اعمال است:

از نظر شدت مجازات، در جنایت ۲۰ سال، درجنحه ۵ سال و درتخلف۳ سال است.

از نظرجرم ارتکابی، در جنایت ۱۰ سال، در جنحه۳ سال و در تخلف تنها یک سال خواهد بود، حتی اگرتخلف، خود زمینه ای برای ارتکاب جنحه باشد.[۴]

در ادامـــه فرایند تحلیل قاعده مـــرور زمان کیفری در قوانین فرانســـه، می‌توان مشـــاهده کرد که قانون گـــذار در قلمرو اجرای قانون جـــزا، در قانون جزای جدید فرانسه مصوب ۱۹۹۳ نیز چهار ماده قانونی از ۱-۱۱۲ تا ۴-۱۱۲ را به امر مرور زمان کیفری اختصاص داده و رویه های قضایی خاصی را در آنها در نظر گرفته است. ماده ۱-۱۱۲ مقـــرر می‌دارد: «فقط اعمالی، جرم و قابل مجازات می‌باشـــند که در تاریخ ارتکاب، جرم شناخته شده باشند، دادگاه فقط می‌تواند حکم به مجازاتی دهد که در آن تاریخ لازم الاجراء بوده باشد.»[۱]

---

۱. شهیدی، مهدی(۱۳۶۸)، ص۱۳۹.

۲. آیین دادرسی مدنی فرانسه مصوب ۱۹۸۵.

3. Stefani, G., Levasseur, G., Bouloc B, (2004) Procédure pénal, Dalloz, 19èd.

۴. متین دفتری، احمد (۱۳۳۷)" آیین دادرسی مدنی"، جلد ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۵.

با توجه به این ماده قانونی می‌توان دریافت که قانون، به جرائمی‌که سابقاً ارتکاب یافته اند ومدت اعتبار آنها سپری شده، توجهی نکرده است. البته، ماده ۲-۱۱۲ از این قانون مقرر می‌دارد: «قوانین زیر به منظور سرکوب جرائمی‌که پیش از به اجراءگذاشتن آنها ارتکاب یافته اند، بلافاصله قابل اعمال می‌باشند:

۱.قوانین مربوط به صلاحیت سازمان مراجع قضایی تا هنگامی که یک تصمیم ماهوی درمرحله بدوی اتخاذ نشده است.

۲. قوانینی که شیوه های تعقیب و اشکال دادرسی را تعیین می نمایند.

۳.قوانین مرتبط با رژیم اجراء و اعمال کیفرها.

با این همه، هنگامی‌که هدف این قوانین تشدید کیفرهای بیان نشده باشد، این قوانین قابل اعمال نیست. مگر بر محکومیت های صادر شده برای اعمالی که پس از به اجراء گذاشتن آنها ارتکاب یافته اند.

۴. قوانین مرتبط با مرور زمان دعاوی عمومی و مرور زمان کیفرها هنگامی که این مرور زمان ها اکتساب نشده اند.»[۲]

ماده ۳-۱۱۲ از این قوانین نیز دربـاره قاعده مرور زمان کیفری بیان می‌کند که قوانین مرتبط با ماهیت راه های اعتراض، حالت هایی که در آنها راه های اعتراض بازمی باشند و همین طور مهلتی که طی آن می توان بر اعتراض های صورت گرفته نسبت به تصمیم های موردحکم، اعتراض کرد؛ بعد از به اجراءگذاشتن آنها، قابل اعمال می باشند.

در نهایت، در این قوانین، قانون گذار در ماده ۴-۱۱۲ قید کرده است که اجرای بلافاصله قانون جدیدنسبت به اعتبار اعمال انجام گرفته، مطابق با قانون پیش بی‌تاثیراست.

همان طور که مشاهده می‌شود، در قوانین فرانسه، قاعده مرور زمان به قانون ماهوی تشبیه شده و در این رابطه باید توجه داشت که این مجادلات فقط راجع به

---

1. Christien. L, (1993) la partie general du nouveau code penal francais, Archive depolitique criminelle. P 13

2. Christien. L, (1993) la partie general du nouveau code penal francais, Archive de politique criminelle. P 13

مرور زمان در جریان، طبق قانون قدیم می‌باشد، مگراین که مهلت مرور زمان هنگام ورود قانون جدید تمام شده باشد که مساله ای ایجاد نکرده و موقعیت به طور قطع اکتسابی خواهد بود که در این شرایط، قانون جدید مجازات فرانسه نمی تواند آن را تغییر دهد. در نهایت، ذات مرور زمان کیفری در دعاوی، از قواعد نظم عمومی است و به این لحاظ، طرفین حق ندارند که حقی را غیر قابل مرور زمان اعلان کنند یا پیش از شروع آن نسبت به مسأله خاصی، مرور زمان را اسقاط کنند.[۱] از این رو، می‌توان بیان کرد که گرچه در مجموعه قوانین جزائی و مدنی ایران و فرانسه قاعده مرور زمان پذیرفته شده است، اما بین قوانین موضوعه آنها تفاوت هایی وجود دارد.

برآیندها

همان طور که بیان شد، به نظرمی رسد که قاعده مرور زمان در قوانین ایران از قوانین مدنی و جزایی فرانسه اقتباس شده باشد. البته این نکته قابل ذکر است که دو قسم از این قواعد، شامل: مسقط حق و مملک بودن در قوانین ایران مطرح نشده است که علت آن را می‌توان عدم تطابق این موارد با فقه و احکام اسلامی‌دانست. از این رو، همان طور که برخی از اساتید گفته اند چون فقط مرور زمان مسقط دعوی در ایران پذیرفته شده است، می توان گفت از این جهت به قانون سوئیس شباهت دارد.[۲]

با توجه به این امر که در احکام فقهی، برخی از فقهاء با قاعده مرور زمان مخالف می‌باشند و این قاعده را نمی پذیرند؛ در قوانین موضوعه ایران نیز که بر اساس فقه امامیه وضع شده است، قانون گذار به قاعده مرور زمان به عنوان ساقط کننده حق نپرداخته است و تنها آن را وسیله ای به شمار آورده است که برای اسقاط دعوی خواهان و جلوگیری از استماع آن به کار می رود. از این رو، در قوانین موضوعه ایران، قاعده مرور زمان به تنهایی سبب مملک یا مسقط حق و تعهد نمی‌شود.

درباره مرور زمان کیفری ومدلل نمودن عملکرد قانون گذار در خصوص اختصاص دادن مرور زمان بر جرایم در حقوق کیفری، می‌توان چنین بیان کرد که مجازات

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۸۸) «دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت»، تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۱۳۶.
۲. کاتوزیان، ناصر(۱۳۷۴) «نظریه عمومی تعهدات»، تهران: نشر یلدا، ص ۵۱۴.

متعلق به جامعه است و منفعت آن برای جامعه،تعیین کننده میزان کارایی مجازات می‌باشد. پس هرگاه جامعه به علت گذشتن زمانی طولانی، جرم ارتکابی را فراموش می‌کند، دادگستری حق احیای مجدد آن را ندارد. به عبارت دیگر، منشاء و بنیان تصمیم گیری و عملکرد قانون گذار درمورد جرائم در جامعه را می‌توان سیاست گذاری های اجتماعی و فرهنگی در راستای سلامت جامعه دانست که این امر اهمیت مرور زمان در قوانین کیفری را مشهودتر می‌کند.

با وجود این، ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که هرچند قوانین و مقررات اعمال شده در خصوص مرور زمان، با اصول و مبانی حقوقی فرانسه مطابقت کامل داشته و قانون گذار در آن کشور در تمامی قوانین موضوعه مدنی و کیفری، قاعده مرور زمان را در سه نوع بیان شده در نظر گرفته و در برخورد با جرائم مختلف از این قاعده پیروی کرده است، اما چون اساس و بنیان حقوق کیفری ایران، فقه و اصول اسلامی می‌باشد و در فقه اسلامی قاعده مرور زمان و عملکرد آن در جرائم دارای اشکالات شرعی است و مورد توافق تمامی‌فقهاء و علماء نمی‌باشد؛ قوانین حقوقی ایران نیز به تبعیت از احکام فقهی پرداخته و این قاعده را در گستره محدودی از جرائم تعزیری به کارگرفته است که با بررسی ماده قانونی مرتبط با این قاعده (مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ تا ماده ۱۱۳) در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان به خوبی این تفاوت را دریافت.

در قوانین کیفری ایران، مرور زمان در جرایم حدی، جرایم مستوجب قصاص و دیه مطرح نیست و گذشت زمان موجب از بین رفتن حق شکایت در موارد مذکور نمی‌شود. همچنین، قانون گذار ایران مرور زمان را تنها در جرایم تعزیری معدود پذیرفته است که دلیل آن را می‌توان چنین عنوان کرد که حاکم این اختیار را دارد تا در اجرای تمام یا برخی تعزیرات، قاعده مرور زمان را مورد استفاده قرار دهد یا قرار ندهد.

فهرست منابع:

۱- آخوندی، محمود؛ (۱۳۷۶)«آیین دادرسی کیفری»، چاپ ۸، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲- آخوندی،محمود؛ (۱۳۷۱) «مرور زمان کیفری(چگونگی مشروعیت و فلسفه آن»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره۶.

۳- ابوحبیب، سعدی؛ (۱۴۰۸)«القاموس الفقهی»، دمشق: دارالفکر، چاپ۲، جلد ۶.

۴- ابوالحسین، احمدبن فارس؛ (۱۴۰۴) «معجم مقائیس اللغه»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ۱، جلد ۵.
۵- انصاری، مسعود؛ (۱۳۸۴) «دانشنامه حقوق خصوصی»، تهران: محراب فکر.
۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ (۱۳۸۷)«ترمینولوژی حقوق»، چاپ ۱۹، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۷- جعفری لنگرودی،محمد جعفر؛ (۱۳۸۸) «دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت»، تهران: انتشارات گنج دانش.
۸- حر عاملی، محمد؛ (۱۴۰۹ق) «وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه»، قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، جلد ۲۵.
۹- حاتمی، علی اصغروذاکری، محمدوحید؛ (۱۳۷۹) «تجدید اعتبار مرور زمان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره۴۸.
۱۰- ژان پرادل؛ تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱- ساریخانی، عادل؛ (۱۳۸۱) «ترجمه و تلخیص قوانین مالیاتی آلمان»، ترجمه مجیدخرمی، گزارش شماره ۴
۱۲- سرمدی، محمود؛ (۱۳۱۶) «مجموعه حقوقی»، شماره ۳۴.
۱۳- شفایی، محسن؛ (۱۳۴۵) «اسلام و قانون مرور زمان»، چاپ ۲، تهران: انتشارات نقش جهان، تهران.
۱۴- شهیدی، مهدی؛ (۱۳۶۸) «سقوط تعهدات»، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵- شریف، علی؛ (۱۳۴۲) «ایراد مرور زمان»، مجله کانون وکلا، شماره ۸۶.
۱۶-طوسی، ابوجعفرمحمدبن حسن؛ (۱۳۸۷) «المبسوط»، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاءآثار الجعفریه، چاپ۳، جلد ۳.
۱۷- عبدالرحمان، محمود؛ بیتا، معجم المصطلحات و الفاظ الفقهیه، بیجا، بینا، جلد ۱.
۱۸- عطاالله، برهام محمد؛ (۱۹۹۲) «اساسیات نظریه الالتزام فی القانونین المصری و اللبنانی»، بیروت: دارالجامعیه.
۱۹- کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۷۴) «نظریه عمومی تعهدات»، تهران: نشر یلدا.
۲۰- کریمی، حسین؛ (۱۳۶۵) «موازین قضایی ازدیدگاه امام خمینی(ره)»، قم: انتشارات شکوری.
۲۱-کلینی، محمدبن یعقوب؛ (۱۴۲۹) «الکافی»، جلد۵، قم: دارالحدیث للطباعه و النشر.
۲۲- گارو؛ (۱۳۴۴) «مطالعات نظری و عملی حقوق جزا»، ترجمه: ضیاءالدین نقابت، جلد ۲۷، تهران: انتشارات ابن سینا.
۲۳- مهدوی، ابراهیم؛ (۱۳۳۶) «در اطراف مرور زمان»، کانون وکلا، دوره۱، ش. ۵۲
۲۴- موسوی خمینی، سیدروح الله؛ (۱۴۲۶) «توضیح المسائل»، بیجا: بینا، جلد ۲.
۲۵- مکارم شیرازی، ناصر؛ (۱۴۲۷) «استفتاآت جدید»، قم: مدرسه علی بن ابیطالب، چاپ دوم، جلد۱.
۲۶- مجموعه من المؤلفین؛ (۱۴۰۴) «موسوعه الفقهیه الکویتیه»، کویت: دارالسلاسل؛ جلد ۱.
۲۷- محقق دامادیزدی، مصطفی؛ (۱۴۰۶) «قواعدفقه»، جلد ۱، چاپ ۱۲، تهران: مرکزنشرعلوم اسلامی.
۲۸- متین دفتری، احمد؛ (۱۳۳۷) «آیین دادرسی مدنی»، جلد ۳، تهران: چاپ انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹- میررجالی، احمد؛ (۱۳۱۷) «مرور زمان»، مجموعه حقوقی، شماره. ۸۰
۳۰- نجفی، شیخ محمدحسن؛ (۱۳۶۷) «جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام»، تعلیق محمدقوچانی، جلد ۲۹، چاپ ۳، تهران: المکتبه الاسلامیه، ص۴۳۸.
۳۱- نوری، حسین بن محمدتقی؛ (۱۴۱۵) «خاتمه المستدرک الوسائل»، جلد ۱۷، قم: آل البیت.